



خط ناک تر
PDF Compressor Free Version
از نتانیوهو



دوشنبه ۴ آبان ۱۴۰۵ / ۱۵ جمادی الاول ۱۴۴۸ ه. ق / 26 October 2026 / شماره ۷۳۳۸ / سال بیست و نهم

یادداشت

ابقاء در سکوت؟!

نسبیه پیرایش

دوره ریاست ۵ ساله پیمان جبلی بر سازمان صدا و سیما در ۸ مهر ماه به پایان رسید. به رغم گمانه‌زنی‌های بسیار، نسبت به افراد جایگزین جبلی بر صدا و سیما و نیز مخالفت آشکار رئیس جمهور و بسیاری از صاحب نظران با مدیریت پیمان جبلی بر رسانه ملی کشور، خبر جدیدی از جایگزین شدن فردی به جای وی منتشر نشده است. این بی‌خبری شائبه‌ی ماندن بی‌سروصدای جبلی در مسند ریاست را پررنگ کرده است.

خبرآنلاین در این باره نوشت: «پیمان جبلی که از ۷ مهر ۱۴۰۰ به عنوان سیزدهمین مدیرعامل، مدیریت صداوسیما را بر عهده گرفته، کمتر از یک ماه است که نخستین دوره ۵ ساله مدیریت خود را پشت سر گذاشته و ظاهراً بی‌سروصدا وارد دومین دوره مدیریت ۵ ساله خود بر این سازمان شده است.»

این تصمیم در شرایطی گرفته شده که فاصله میان عملکرد صدا و سیما و انتظارات اکثریت جامعه از آن، به یکی از محورهای مناقشه درباره کارکرد و اعتبار این رسانه تبدیل شده است. از این رو این پرسش بار دیگر مطرح می‌شود که چرا انتقادهای گسترده از عملکرد رسانه ملی به تغییر در راس این سازمان منجر نمی‌شود؟

مجموعه‌ای از انتصاب‌ها و جهت‌گیری‌های رسانه‌ای در دوره مدیریت پیمان جبلی، پرسش‌های جدی درباره میزان نفوذ جریان نزدیک به جبهه پایداری در ساختار مدیریتی و سیاست‌گذاری صدا و سیما ایجاد کرده است. انتصاب وحید جبلی به سمت قائم مقام رئیس سازمان در امور فرهنگی و دبیر ستاد تحول رسانه ملی، یکی از مهم‌ترین محورهای این بحث بوده است.

علاوه بر این، گزارش‌ها از افزایش نفوذ مدیران نزدیک به جبهه پایداری در صدا و سیما و انتقادهای مطرح شده در رسانه‌های اصولگرا از تغییرات مدیریتی و محدود شدن نفوذ طیف‌های دیگر، مطرح شده است. مجموعه این تحولات این شائبه را تقویت کرده است که جبهه پایداری نفوذ قابل توجهی در سازمان و در سطح مدیریتی آن دارد.

البته مسئله فقط به ترکیب مدیران محدود نمی‌شود. انتقادهای مطرح شده از سوی رئیس جمهور و رئیس مجلس و دیگر چهره‌های سیاسی نسبت به عملکرد رسانه ملی نیز نشان می‌دهد که نارضایتی از رویکرد این سازمان به یک موضوع مهم در عرصه سیاسی تبدیل شده است. اما خارج کردن صدا و سیما از چنگال پایداری‌ها کار راحتی نیست. مواضع جبهه پایداری در سال‌های گذشته، فراوان محل مناقشه بوده است اما این جریان از چنان پشتوانه‌ای برخوردار است که سال‌هاست نقش «دولت در سایه» را ایفا می‌کند و از هیچ تلاشی برای اختلال در کار دولت‌های مختلف دریغ نکرده است.

ادامه در همین صفحه

محمدباقر قالیباف در آغاز جلسه علنی حضوری: ادعاهای آمریکا ذره‌ای اعتبار ندارد



ابقا در سکوت

ادامه از همین صفحه

... از آتش زدن برج‌ها گرفته تا استقبال از جنگ، به باد ناسزا گرفتن هرگونه سخنی از صلح و پیچیدن نسخه خروج از NPT در شرایطی که دشمن به دنبال بهانه‌ای برای آغاز حملات دوباره به کشور است. و از همه مهم‌تر، برخورداری از حاشیه‌ی امنی که به آن اجازه می‌دهد بدون هیچ‌گونه بازخواستی، به هر شخصیت حقیقی و حقوقی توهین کند و مواخذه نشود.

در چنین شرایطی عدم تغییر ریاست رسانه ملی، نوعی دهن‌کجی به همه کشور است؛ آن‌جا که اقلیتی کوچک در مقابل خواست اکثریت جامعه قد علم می‌کند و ناباورانه به کار خود ادامه می‌دهد. البته تغییر مدیر به تنهایی تضمین‌کننده تحول نیست؛ آنچه اهمیت دارد، تغییر در رویکردها و ساز و کارهایی است که به تداوم وضع موجود منجر شده‌اند. این تغییر باید از بازنگری در سیاست‌ها، افزایش تنوع دیدگاه‌ها و پاسخ‌گویی درباره عملکرد سازمان آغاز شود؛ نه صرفاً از جابه‌جایی یک مدیر.

تلفن تماس با
دفتر روزنامه امین

۰۴۱-۳۳۳۵۲۷۷۴

۰۴۱-۳۳۳۵۲۷۷۹

بلا تکلیفی پزشک‌ها

عاطفه پیرایش، دانشجوی دکتری فلسفه



منظور پزشک‌ها از "نامردهایی که همه چیز را بهم زدند"، آن شخص نامعلومی است که پس از امضای تفاهم‌نامه‌ی اسلام‌آباد میان ایران و آمریکا، با زدن نفت کش‌ها در تنگه‌ی هرمز، همه چیز را بهم زد. این چنین رئیس جمهور وفاق با یک جمله‌ی واحد هم اصول‌گراها را راضی نگه می‌دارد و هم از اصلاح‌طلبان دلجویی می‌کند. این چنین رئیس جمهوری که بلا تکلیفی از تک تک جملاتش می‌بارد، آخرین امید ایرانیان برای جلوگیری از جنگ است.

در هر حال روزنامه‌ی اصول‌گرا معتقد است که راه خروج از وضعیت نه جنگ، نه صلح چیزی است که از آن تحت عنوان "مقاومت علمی" تعبیر می‌کند. به نظر می‌رسد منظور این روزنامه از مقاومت این است که ما وضعیت فعلی را بپذیریم و راه‌های دوام آوردن در آن را بیازماییم.

اساساً مقاومت هیچ نسبتی با ایده خروج از وضعیت فعلی ندارد. نادیده گرفتن این نکته، بر ابهام موضع اصول‌گرایان می‌افزاید و جامعه را دچار سردرگمی می‌کند. اگر می‌خواهید همین وضعیت ادامه پیدا کند، چرا رک و راست این را به مردم نمی‌گویید؟

پزشک‌ها همچنین گفته است مردم ناراضی‌اند چون عدالت و حق را نمی‌بینند. این جمله نیز به مجموعه جملاتی اضافه می‌شود که پزشک‌ها گفته تا حرف دل مردم را زده باشد. برای اینکه مردم بفهمند که او بالاخره دارد حرف دلشان را می‌گوید یا نه، او باید اولاً توضیح بدهد که منظورش از مردم دقیقاً چه تعداد از مردم است.

دوم اینکه مظاهر بی‌عدالتی از نظر خود را برای مخاطب روشن کند و آن‌گاه به صورت شفاف اعلام موضع کند که آیا کسی حقی را در کشور ما ناحق کرده است یا نه و اگر چنین شده، چه کسی این کار را انجام داده اما پاسخ دادن به این پرسش‌ها سرتاسر دردسر است و اگر از او بخواهند به آنها جواب بدهد، دوباره دسته‌ای از جملات مبهم و کلی را بیان می‌کند تا خود را از این دردسر راحت کند.

در نهایت به نظر می‌رسد اول خود پزشک‌ها باید از بلا تکلیفی خارج شود و بعد به فکر خروج کشور از بلا تکلیفی باشد.